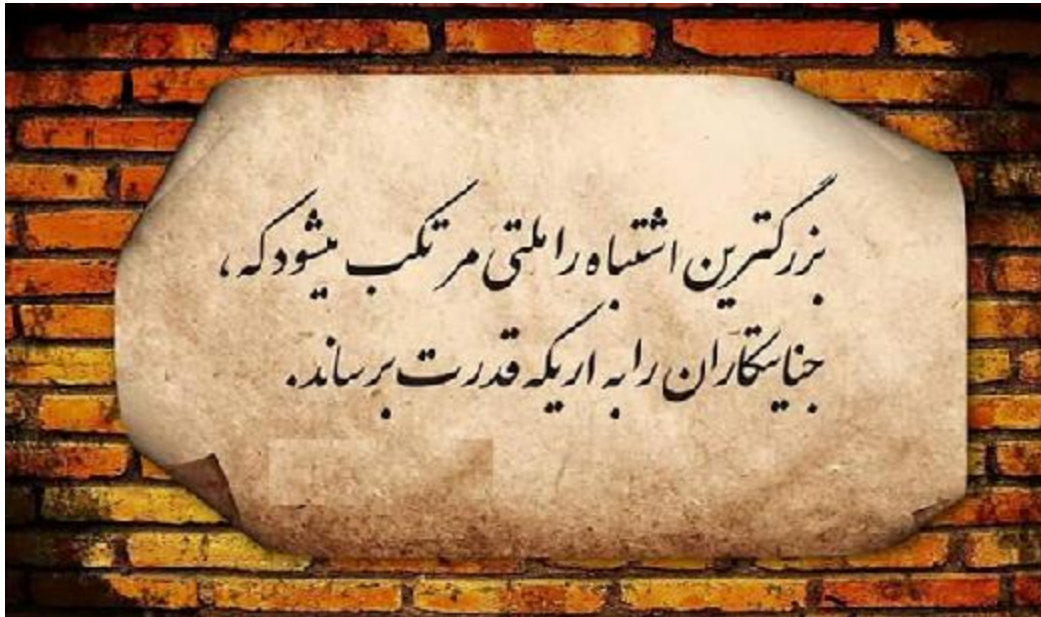


## بنام جهاد و جهاد گری چه کردند؟؟؟

### « عملکرد عبدالرب رسول سیاف در پانزده سال کنونی »

(استاد صباح)



جمعیت ربانی، شورای نظار مسعود، اتحاد سیاف، حرکت محسنی و انوری، حزب اسلامی حکمتیار، جبهه نجات مجددی، محاذ گیلانی، حرکت انقلاب محمدی و وحدت اکبری و مصطفی کاظمی در جنگها داخلی افغانستان در بین سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۴ مهم ترین نقش را در ویرانی، کشتار، چور و چپاول داشته است طوری که جمعیت ربانی، شورای نظار احمد شاه مسعود، اتحاد سیاف و ائتلاف جنایتکارانش - غرب کابل را به یک ویرانه تبدیل نموده و هزاران غیر نظامی به دستور آنان قتل عام شده است. آنان به دلیل شعله ورت کردن جنگهای داخلی در افغانستان در سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۴ از سوی دیده بان حقوق بشر به جنایت جنگی و نقض حقوق بشر متهم گردید، که متأسفانه هنوز محکمه در این خصوص تشکیل نشده است. رسول سیاف، یکی از قصابان فاجعه خونینی افشار، در حمله و تجاوز به افشار به عساکرش گفته بود: «سر بریده سخن ندارد، هزاره ی خوب هزاره ی مرده» است.

رسول سیاف در کابل گفت، کسانی که غیر مجاهد را با مجاهد مساوی می دانند به حکم خدا از دایره اسلام خارج هستند. بر باور وی کسانی که می گویند جهاد معیار نیست باید در ایمان خود تجدید نظر کنند. ما وارثان این ملک هستیم. دیروز این ملک را آزاد و در برابر تروریسم از آن دفاع کردیم و امروز نیز مردانه و ارادتمندان ایستاده ایم و از آن حراست می کنیم. در سیزده سال گذشته نیز مردانه و از آن حکومت کرزی حمایت کردیم و وی یک بار دیگر تاکید کرد که دور شدن از صحنه سیاست به مجاهدان آسیب نمی رساند بلکه به امنیت و ثبات کشور آسیب می رساند.

رسول سیاف از رهبران جهادی در گردهمایی به مناسبت ۲۶ دلو سالگرد خروج قوای شوروی از افغانستان در خیمه لویه جرگه در کابل، با انتقاد شدید از حکومت گفت که مجاهدین فیصله کرده اند که با هم نزدیک شوند و عنقریب مژده خواهید

شنید که مجاهدین منیحت یک کتله بزرگ ملت، موقف خود را یکجا، هماهنگ، و همسان صادر خواهند کرد. درحکومت وحدت ملی نقش رهبران مجاهدین پررنگ تر از حکومت کرزی است، با این تفاوت که کرزی در اکثر مسایل مهم کشوری با این رهبران مشوره می کرد، اما اشرف غنی و عبدالله مستقیما هدایت می گیرند ..

رسول سیاف، در ادامه ی جنایت های خود، بعد از سقوط طالبان، در حمایت های کرزی قرار داشته، با کمک و مشوره ی افراد تجارتي خود، دست به غصب گسترده ی زمین زده است. باغصب زمین ها، گروه اقتصادی سیاف، ساختن مارکیت و بازار، تعمیر های مجلل با قصر و باغ و... ساخته اند. غصب این زمین ها از دو استقامت در شهر کابل و اطراف آن صورت گرفته است. استقامت اول از کوتل خیرخانه آغاز و به چمتله، پغمان الی ارغندی می رسد. استقامت دوم نیز وزیر اکبرخان، باغ بالا، خوشحال مینه، بازار کمپنی، قلعه حیدرخان الی ارغندی می باشد. در مرکز شهر کابل نیز، سیاف و گروه اقتصادی وی تعمیرات و زمین هایی را غصب و یا با پول بدست آورده از این تجارت خریداری کرده است. سیاف از حمایت های بی دریغ رییس دولت کرزی برخوردار بود.

شکایت های زیادی از غصب اموال و دارایی های مردم وجود دارد، اما تاکنون هیچ اقدامی برای مهار نامبرده صورت نگرفته است. تنها در ماه مارچ دوهزار و هفت میلادی نیروهای آمریکایی به خانه ی سیاف در پغمان یورش بردند که علت آن بیشتر مسایل امنیتی و ارتباطات احتمالی وی با تروریسم بوده است. پس از این حادثه، کرزی بارها از سیاف بدلیل حمله ی نیروهای آمریکایی پوزش خواسته و قول داده که چنین مواردی دیگر تکرار نشود.

پس از آن سیاف مجال بیشتری برای فعالیت های تجارتي غیر مشروع یافته است. مردم در پغمان بارها نسبت به غصب زمین هایشان و همچنین زندانی شدن و ابستگانشان در زندان شخصی سیاف به دفتر رییس جمهور شکایت و مقابل پارلمان مظاهره کردند اما با هر عریضه و مظاهره، تهدید ها از جانب سیاف و افرادش علیه آنان بیشتر شد. سارنوالی و محاکم کشور هیچگاه دوسیه ی های غصب توسط سیاف را روی دست نگرفته و همیشه از وی به عنوان استاد سیاف، با نیکی یاد می کند. مزدوری و مزدور منشی تنظیم های بنیادگراها بر هیچکس پوشیده نیست. از غلامی به آی اس آی تا نوکری عربستان سعودی، سی آی ای، ایران، فرانسه و تاجکستان و کشورهای دیگر.

سیاف گفت، من پیش ملت یک مجاهد هستم و گروهی را رهبری کردم. تو در نزد ملت یک جنایتکار و قاتل هزاران انسان بی گناه هستی، تو یک جاسوس حلقه به گوش آی اس آی، عربستان سعودی و ... هستی. سیاف! تو همان گروهی را رهبری کردی که این ملت را به روز سیاه نشانده، همان گروهی که دختران افغان را پیش پای عرب ها انداخت، همان گروهی که خون مردم مظلوم هزاره را مباح می دانست و هر هزاره را به نام حزب وحدت، سر می برید، تو همانی که اکنون هم زمین های مردم پغمان را قبضه نموده اید. وی گفت، وقتی از زندان برآمدم، یک عصا چوب در دستم نبود. به این می گویند اعتراف جانانه. اما این ملیون ها دالر، آرگاه و بارگاه، نوکروچاکر و موتر و زمین را از کجا کرداید؟

وقتی از سیاف پرسیده شد که چرا در آن وقت مانع از جنگ نشدید، در جواب گفت: تنها خدا است که هر چیزی را بخواهد کرده می تواند. به تعبیر سیاف، پس این خدا بود که جنگ ها را در کابل شعله ور نمود، خانه های مردم را ویران کرد، زنان را بی سرپرست و کودکان را آواره نمود، برفرق مردم میخ می کوبید، آنان را زنده زنده در کانتینرها کباب نمود، بر عفت زنان تجاوز نمود، در دهه هفتاد (تنظیم های اتحاد، محاذ، جمعیت، شورای نظار، حزب اسلامی، حزب اسلامی خالص، حرکت های مولوی محمد نبی محمدی و شیخ آصف محسنی و... جفای بزرگی را بر ملت روا داشتند).

رسول سیاف، در ادامه ی جنایت های خود، بعد از سقوط طالبان، در حمایت های کرزی قرار داشته ، با کمک و مشوره ی افراد تجارتي خود، دست به غصب گسترده ی زمین زده است.

باغصب زمین ها، گروه اقتصادی سیاف، ساختن مارکیت و بازار، تعمیرهای مجلل با قصر و باغ و... ساخته اند. غصب این زمین ها از دو استقامت در شهر کابل و اطراف آن صورت گرفته است. استقامت اول از کوتل خیرخانه آغاز و به چمنله، پغمان الی ارغندی می رسد. استقامت دوم نیز وزیر اکبرخان، باغ بالا، خوشحال مینه، بازار کمپنی، قلعه حیدر خان الی ارغندی می باشد. در مرکز شهر کابل نیز، سیاف و گروه اقتصادی وی تعمیرات و زمین هایی را غصب و یا با پول بدست آورده از این تجارت خریداری کرده است. سیاف از حمایت های بی دریغ رییس دولت برخوردار است. شکایت های زیادی از غصب اموال و دارایی های مردم وجود دارد، اما تاکنون هیچ اقدامی برای مهار نامبرده صورت نگرفته است. تنها در ماه مارچ دو هزار و هفت میلادی نیروهای آمریکایی به خانه ی سیاف در پغمان یورش بردند که علت آن بیشتر مسایل امنیتی و ارتباطات احتمالی وی با تروریسم بوده است.

پس از این حادثه، کرزی بارها از سیاف بدلیل حمله ی نیروهای آمریکایی پوزش خواسته و قول داده که چنین مواردی دیگر تکرار نشود. پس از آن سیاف مجال بیشتری برای فعالیت های تجارتي غیر مشروع یافته است. مردم در پغمان بارها نسبت به غصب زمین هایشان و همچنین زندانی شدن و ابستگانشان در زندان شخصی سیاف به دفتر رییس جمهور شکایت و مقابل پارلمان مظاهره کردند اما با هر عریضه و مظاهره، تهدید ها از جانب سیاف و افرادش علیه آنان بیشتر شد. سارنوالی و محاکم کشور هیچگاه دوسیه ی های غصب توسط سیاف را روی دست نگرفته و همیشه از وی به عنوان استاد سیاف، با نیکی یاد می کند. سیاف پس از حکومت موقت و انتقالی عمدتا از حامیان دیروز خود در تنظیم های جهادی جدا شد و از کرزی ، حمایت کرده است . در دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز سیاف از کرزی حمایت کرده است. با وجود درخواست های مکرر، او حاضر نشد که به جبهه ملی بپیوندد.

کسی که هزاران تن از مردم مظلوم ما را به شهادت رسانیده، شهر ها، قرا و قصبات ما را ویران نموده، مال و دارایی مردم ما را به غارت برده است، وحشت را بر فضای کشور حاکم نموده ، بر فرق مردم میخ کوبیدند، امروز با چنین پر رویی خود را کاندید ریاست جمهوری مینماید . سیاف و همراهان جهادی اش باید سال ها قبل به اتهام خیانت و جنایت محاکمه میگردد و متاسفانه امروز ادعای رهبری حاکمیت ملی را دارد؟! دزدان، جنایتکاران جنگی، قطاع الطریقان، آدمکشان، قاچاقبران مواد مخدر، غارت گران و همه گردم هم جمع شده اند تا از آخرین فرصت در دو هزار و چهارده برای ابقای سلطه جهل و وحشت بالای مردم مظلوم استفاده نمایند.

کشور زمانی آرام میشود ، چپاولگران از بدنه دولت جراحی شوند



روزی سیاف از طریق تلویزیونش میگفت: هیچ دلیل برایم قناعت دهنده نیست که سران جهادی در اطراف عبدالله است، سران جهادی حزب جمعیت استاد برهاندین ربانی بود که شهید شد، امر صاحب مسعود بود هم به شهادت رسید، و مارشال هم داعی اجل لبیک گفت، در زمان جهاد عبدالله و محقق سران نبود بلکه عسکران جهاد بود، برای شان احترام داریم و سفارش اینست که: که نام جهاد و جهادی هارا را با چند نفر که هیچ نقش اساسی در جهاد نداشته نگیرید. من با افتخار میگویم که اطراف داکتر صاحب اشرف غنی سرمایه های بزرگ جهادی موجود است، حضرت صاحب مجددی، پیرسید احمد گیلانی، استاد محمد کریم خلیلی، حاج دین محمد، پسران سید کیان و تعداد دیگر که اطراف شان است از سران و بزرگان جهاد و مقاومت است، من تا هنوز برای هم فکرا نم نگفتم که به چه کسی رای دهند اما، حفظ هویت جهادی ام برایم مهم است، من افتخار جهادم را به دست عسکران جهاد نخواهم داد. اما سیاف امروز روی دیگر و حقیقی اش را به نمایش گذاشته است.

پس سیاف! توهمانی و گروهی را رهبری کردی که این ملت را به روز سیاه نشانند، توهمانی که اکنون هم زمین های دولتی و شخصی و هم زمینهای مردم یغمان را قبضه نموده اید. شاید فراموش کرده ای، روزی که گفتمی، وقتی از زندان برآمدم، یک عصا خوب در دستم نبود. به این می گویند اعتراف جانانه. اما این میلیون ها دالر، آرگاه و بارگاه، نوکرو چاکرو موتر و زمین وقصرو جایداد را از کجا کردی؟؟؟

سیاف پس از رهایی از زندان پلچرخی در سال ۱۳۵۸ هجری خورشیدی، به پاکستان رفت و به تنظیم های جهادی پیوست. سیاف مدتی را در تنظیم جمعیت فعالیت کرد، سپس راه خود را از این حزب جدا کرد و حزبی را به نام اتحاد اسلامی اساس گذاشت که خود رهبری آن را به عهده داشت.

سیاف از آن جایی که تعلیم دینی اش را در کشور های اسلامی به پایان رسانده بود از حمایت خاص این کشورها و به ویژه عربستان سعودی برخوردار بود. وی در سال ۱۳۷۱، همراه با دیگر تنظیم های جهادی وارد کشور شد و به مهم ترین حامی دولت به رهبری برهان الدین ربانی تبدیل شد. در سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ در درگیری های میان گروهی کابل نقش اساسی داشت و نبردهای حزب تحت فرمان او با حزب وحدت در غرب کابل شهرت فراوان دارد.

این دو حزب در آن سال ها جنگ های خونینی با هم داشتند که منجر به کشته و مجروح شدن صدها تن از افراد غیرنظامی شد و غرب کابل هم به ویرانه تبدیل شد. سیاف بارها به دلیل حضورش در جنگ های داخلی افغانستان از جانب سازمان دیده بان حقوق بشر به جنایات جنگی متهم شده است. همانطوریکه میدانیم نیروهای سیاف و جنایتکاران دیگر در افشار سیلو جنایت و وحشت نابخشندنی مرتکب شده اند. رسول سیاف، یکی از قصابان این فاجعه هولناک، در حمله و تجاوز به افشار به عساکرش گفته بود: سربریده سخن ندارد، هزاره ی خوب هزاره ی مرده است.

بزرگترین جنایاتی که در دوره جنگ های داخلی در افغانستان آنها در شهر پرنفوس کابل به شکل عمدی، آگاهانه و سیستماتیک توسط جنایات کاران صورت گرفته یکی هم، قتل عام مردم افشار بود که در آن یک شهر انسان فقط به جرم هزاره بودن نابود گشتند. این جنایت توسط جنایتکاران جنگ های داخلی از جمله عبدالرب رسول سیاف، احمد شاه مسعود، ملا مارشال فهیم، شیخ محسنی، سید حسین انوری، یونس قانونی، داکتر عبدالله و ... صورت گرفت.

بزرگ ترین جنایت را این افراد در تاریخ افغانستان و جهان به نام شان ثبت کردند که شامل تجاوز به زنان در برابر مردان خانواده، کشتن مردان خانواده در برابر زنان، به برده گی گرفتن دختران و زنان، کشتار مردم در اماکن همگانی از جمله در تکیه خانه افشار، بی حرمتی به اجساد مردگان، قتل و تجاوز به جرم هزاره بودن، بود.

جنایت به چگونگی و کیفیت عمل جنایت کار مرتبط است نه به کمیت جنایت. مهم این است که جنایت برای چه صورت گرفته است و جنایت کار چه هدفی از جنایت اش داشته است. هم در آموزش دینی اسلام و هم در حقوق بشر، نفس یک آدم، نمونه ای از تمام بشریت و عالم در نظر گرفته شده است. هنگامی که یک شخص را می کشند در حقیقت همه بشریت را کشته اند. جنایت افشار، یکی از جنایات ضد بشری در تاریخ بشریت است. زیرا این جنایت از طرف احمد شاه مسعود، برهان الدین ربانی، عبدالرب رسول سیاف، شیخ آصف محسنی و دیگران به هدف محو نابودی که گروه اتنیکی صورت گرفته است. در این تراژیدی یک شهر انسان به جرم هزاره بودن قتل عام شده اند و نیت جنایت کاران، از این جنایت، نسل کشی بوده است.

مهاجمان سنگ دل پس از تسلط بر افشار برای قتل و غارت و جنایت وارد کوچه های افشار شده و پس از هجوم به خانه ها و منازل مردم دست به کشتن افراد جوان زدند و آنها را در منازل شان به شهادت رساندند و حتی زنان را به اسارت گرفته و مردان را در کوچه ها و خیابانها شهید کردند. اینان تاچند روز متوالی به کشتار، قتل و غارت و تجاوز و تخریب منازل ادامه دادند. و وحشیانه داخل منازل شده و از هیچ جنایتی دریغ نکردند. جنایاتی که در افشار ارتکاب یافت مصداق بارز جنایت به مفهوم حقوقی بر اساس قوانین ملی و بین المللی است. اقتضای عدالت و نظم جامعه ایجاب می کند که مرتکبین جنایت مجازات شوند. اما در افغانستان گرچه بزرگترین جنایات تاریخ بشریت انجام گرفته است، به همان مقیاس جنایتکاران نه تنها مجازات نشده بلکه به مناصب بالای دولتی و حکومتی گماشته شده و همچنان جنایت می کنند. این امر اما به معنای مخدوش شدن اصل مجازات جنایتکاران نیست. محاکم داخلی امروز نه توان و نه اراده لازم برای محاکمه این جنایتکاران را دارد زیرا خود از جنایتکاران تشکیل شده است.

مشکل دیگری فعلی غصب زمین های دولتی و مردمی از سوی زورمندان محلی در کابل و سایر ولایات کشور، از بارزترین مظاهر فساد در کشور است و به نظر می رسد دولت نیز توانایی چندانی برای مبارزه با این معضل عظیم اجتماعی و اقتصادی ندارد. مردم بر این باور اند که غاصبان با وزارتخانه های دولتی و نمایندگان مجلس، پیوند دارند و این امر، مانع از اعمال قانون و سلطه دولت بر آنها می شود. تاکنون میلیون ها جریب زمین در سراسر کشور، به صورت غیرقانونی در اختیار زورمندان است و اکثر این چپاولگران و زورگیران از نزدیکان مقام های حکومتی و قوماندانان جهادی جمعیتی، شورای نظار و اتحاد سیاف اند که بازو سلاح و کشتن و بردن و بستن سخن میگویند. سیاف در دوران حاکمیت مصلحت گراوی کفایت کرزی در پهلوی دیگر استفاده جوی هادرچوروچپاول زمین های شخصی و دولتی نیز کوتاهی نکرده است. رسول سیاف و تفنگداران ظالمش بیشترین زمین ها را در کابل و اطراف آن غصب نموده اند. سیاف و جنگسالارانش چون ممتاز، حاجی شیر علم، آمر عبدالستار، اکیبی، قوماندان داکتر عبدالله... هر کدام هزاران جریب زمین غصب شده در اختیار دارند.

از چندین سال بدینسو اعتراضات مردم «شش گذر» ولسوالی پغمان علیه سیاف بلند است که میگویند باند سیاف حدود ده هزار جریب زمین را که ملکیت آنان می باشد به زورتصاحب نموده است. تظاهرات مردم پغمان علیه سیاف تا حال چندین

بار به خونریزی و کشته شدن مردم بیچاره منجر گردیده است. بخشی از این زمین های دعوای در ساحه چانغر در کنار شاهراه کابل - کندهار موقعیت دارند. سیاف و حواریونش هزاران جریب زمین دشت چمتله را به زور تصاحب شده به قیمت هنگفت بالای مردم به فروش رسانیدند .

قضیه دیگر زمین دزدی در ولسوالی کلکان کابل هم اکنون جنجالهای شدیدی را دامن زده است سیاف و همراهانش دست دارد. داوود کلکانی عضو پارلمان که از سفره نشینان سیاف است در همدستی با قوماندان ممتاز (برادرزاده سیاف) حدود یکهزار جریب زمین ساحه آقاسرای و شیخوی این ولسوالی را تصاحب نموده اند و به زور تفنگ این زمین را در چنگ شان نگهداشته اند. حتی این دزدان بین خود در اثر اختلافاتی درگیر شده اند . جالب اینست که این زورگیران تفنگدار مالکیت مردم را با استفاده از مقام دولتی قباله های تقلبی ساخته اند .

چندی قبل تلویزیون خصوصی لمر، مصاحبه ای داشت با یکی از سران جهاد - عبدالرب رسول سیاف نماینده در پارلمان. او در ابتدا حاکم به نظر می رسید، اما وقتی صحبت به جنایتکاران و محاکمه شان رسید، دست و پاچه و وارخطا و به خواندن آیات متوسل شد. از آنجایی که این ریاکاران دین همه چیز را از زیر عینک فریبکاری دینی می بینند، به این لحاظ اظهار نمود که فهم قانون اساسی به فهم دین ضرورت دارد امر خدا است که اگر مسلمانان با هم درگیر شدند، شما بین آنها صلح کنید، خداوند از ما می خواهد. این جنایتکاران قرن چرادر آن سال هایی که بر قدرت لمیده و طیاره بست دشمنی دیروزی شان ( روسها ) پول میفرستاد و اینان خون می ریختند، بین خود صلح نکردند؟ .

آیا در آن وقت خداوند از ایشان تقاضای صلح ننمود؟ وقتی مردم در آتش جنگ های خاینانه می سوختند، امر خداوند کجا بود؟ جنگ را دیگران دامن زدند و هنوز هم خواهان جور آمد بین ما نیستند اما بلافاصله متوجه می شود و می گوید: ما آنقدر گنس و گول نبودیم که دیگران از ما استفاده کنند! کسانی که این فیصله را رد می کنند، سر این ملت دل شان یخ نکرده است، باز می خواهند این ملت به خاک و خون بغلتد. مردم که یک بار بدست گرگ صفتان تشنه به خاک و خون غلتید، این کدام افراد اند (جز ویرانگران سه دهه اخیر) که دل شان به این ملت یخ نکرده است؟ .